

بررسی تأثیر شیوه فرزندپروری ادراک شده و جنس بر خود ناتوان سازی

The Impact of Perceived Parenting Style and Gender on Self-Handicapping

M. Heidari, M. A.

✉ محمود حیدری

مری گروه روان شناسی و دانشجوی دکتری روان شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

M. Dehghani, Ph.D.

دکتر محسن دهقانی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

M. K. Khodapanahi, Ph.D.

دکتر محمد کریم خداپناهی

استاد گروه روان شناسی دانشگاه شهید بهشتی

Abstract

Self-handicapping (S.H.) is defined as an act of claiming or creating obstacles to provide explanation for subsequent outcomes. Self handicapping has two forms: behavioral and claimed. This behavior may be impacted by parenting styles. The aim of the present study is to investigate the impacts of perceived parenting style on S. H. An ex-post facto method is applied targeting a sample of undergraduate students at Shahid Beheshti University.

چکیده:

خود ناتوان سازی عبارت از انجام یا عدم انجام کاری به منظور عذر تراشی برای شکست های احتمالی است. این سازه به دو شکل رفتاری و ادعایی دیده می شود. این رفتار می تواند تحت تأثیر سبک های فرزند پروری قرار گیرد. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر سبک فرزند پروری ادراک شده بر خود ناتوان سازی است. روش پژوهش، پس رویدادی و جامعه آن شامل دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی است که از بین آنان با روش نمونه گیری هدفمند و بر اساس وجود حداقل ۳۰ نفر در هر یک از سبک های فرزند پروری نمونه گیری انجام شد.

✉ Corresponding author: Dept. of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Tel: +9821-29902366
Fax: +9821-29902368
Email: mahmood.heidari@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی
تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۶ دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸
پست الکترونیکی: mahmood.heidari@gmail.com

The sample consists of at least 30 subjects in each parenting style group, reaching a total number of 184 (95 females) who completed Self-handicapping scale and Perceived Parenting Style Questionnaire. MANOVA shows that the total score of S. H. and the score of behavioral type of S. H. were significantly higher among those with an authoritarian parenting style. An interaction is also found between gender and parenting style in self-handicapping, indicating that the claimed S. H. was more evident among girls in authoritative parenting style, while in authoritarian parenting style the claimed S. H. is higher in boys. These results indicate that affection and control seem to impact self-handicapping.

KeyWords: Self-handicapping, Perceived Parenting Style, Behavioral Self-handicapping, Claimed Self-handicapping.

نمونه پژوهش ۱۸۴ نفر شامل ۹۵ دختر و ۹۱ پسر است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مقیاس خود ناتوان‌سازی و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده بود. داده‌های جمع‌آوری شده با آزمون آماری مانوا تحلیل گردید. نتایج نشان داد که خود ناتوان‌سازی رفتاری و کلی در سبک فرزندپروری استبدادی به‌طور معناداری بیشتر از سایر سبک‌های فرزندپروری است. سبک فرزندپروری و جنس نیز دارای رابطه تعاملی هستند. خود ناتوان‌سازی ادعایی در سبک فرزندپروری مقتدرانه در دختران بیشتر از پسران است و در سبک فرزندپروری استبدادی خود ناتوان‌سازی ادعایی در پسران بیشتر از دختران است. نتایج نشان‌دهنده اهمیت تأثیر محبت و کنترل در روابط والد - فرزند بر خود ناتوان‌سازی است. **کلیدواژه‌ها:** خود ناتوان‌سازی، سبک فرزندپروری ادراک شده، خود ناتوان‌سازی رفتاری، خود ناتوان‌سازی ادعایی

نقش سبک‌های تربیتی والدین در شکل‌گیری انواع خودها و فاصله بین آن‌ها در فرزندان

The Role of Parenting Styles in Children Self Formation and Self-Discrepancy

M. S. Sadeghi, M. A. ✉

منصوره‌السادات صادقی ✉

دانشجوی دکترای روان‌شناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

F. Ansari, M. A.

فاطمه انصاری نژاد

دانشجوی کارشناسی ارشد خانواده‌درمانی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

Z. Fadai Nejad, M. A.

زهرا فدایی

دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

Sh. Roben Zadeh, B. A.

شرمین روبن‌زاده

دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

S. M. Ebrahimi, Bsc.

سیدمحسن ابراهیمی

فارغ‌التحصیل کارشناسی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

Abstract

The purpose of this study is to examine the relationship and predictability of parenting styles in the formation of real-self, ideal-self, and ought-self, as well as the actual-ideal (AI) discrepancy and actual-ought (AO) discrepancy in male and female university students.

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه نقش پیش‌بینی‌کننده سبک‌های تربیتی والدین در چگونگی شکل‌گیری خودهای واقعی، ایده‌آل و بایده‌آل و نیز فاصله بین خودهای واقعی با خودهای ایده‌آل و بایده‌آل در دختران و پسران دانشجوی طراحی و اجرا گردید.

✉Corresponding author: Dept. of Psychology
Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Tel: +9821-29902387
Fax: +9821-29902368
Email: m_sadeghi@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده
خانواده
تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۸۷ دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸
پست الکترونیک: m_sadeghi@sbu.ac.ir

263 students (127 females) were chosen using accessible sampling and completed questionnaires of parenting styles scale and self-discrepancy.

Results reveal that there was a significant relationship between different types of self scores and the dimensions of warmth and rejection, as well as freedom and control. Regression analysis shows that authoritarian and neglecting parenting styles are more likely to predict the types of selves and their discrepancies. The correlation between real and ideal self-formation was negative. It is also revealed that there is a negative relationship between ought-self and authoritarian parenting style while a positive relationship is found between ought-self and neglecting parenting styles. Furthermore, the authoritarian parenting style can predict AI and AO discrepancies in negative and positive modes, respectively.

The quality of relationships, especially parent-child relationships and the role of parenting styles on self-formation based on sociability process, are then discussed.

KeyWords: Parenting Styles, Real-self, Ideal-self, Ought-self, Real-ideal Discrepancy, Real-ought Discrepancy.

بدین منظور تعداد ۲۶۳ نفر دانشجو (۱۳۶ پسر و ۱۲۷ دختر) به عنوان نمونه غیراحتمالی در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه‌های روش تربیتی و مقیاس خودگسستگی (مقیاس اندازه‌گیری فاصله خودها) را تکمیل نمودند.

نتایج تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل‌های همبستگی نشان داد که بین نمرات انواع خودها و ابعاد محبت - طرد و کنترل - آزادی همبستگی معناداری وجود دارد. با استفاده از تحلیل رگرسیون نشان داده شد که سبک‌های تربیتی استبدادی و طردکننده در مقایسه با سایر سبک‌ها معتبرترین پیش‌بینی‌کننده‌ها برای انواع خودها و فاصله خودها می‌باشند، به نحوی که این پیش‌بینی با شکل‌گیری خودهای واقعی و ایده‌آل رابطه، منفی دارد. البته در پیش‌بینی شکل‌گیری خود بایدی با سبک تربیتی استبدادی جهت رابطه، مثبت و با سبک تربیتی طردکننده منفی می‌باشد. همچنین سبک تربیتی استبدادی نقش پیش‌بینی‌کننده منفی در پیش‌بینی فاصله بین خودهای واقعی و ایده‌آل و نقش پیش‌بینی‌کننده مثبت برای پیش‌بینی فاصله خودهای واقعی و بایدی دارد.

در تبیین نتایج بدست آمده به نقش کیفیت ارتباطات به خصوص ارتباطات نزدیک والد - فرزند و نیز نقش سبک‌های تربیتی والدین از طریق جامعه‌پذیری بر شکل‌گیری نظام خود و فاصله‌های مطلوب و نامطلوب بین انواع خودها اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های تربیتی والدین، خود واقعی، خود ایده‌آل، خود بایدی، فاصله خودهای واقعی و ایده‌آل، فاصله خودهای واقعی و بایدی

بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه
افسردگی کودکان (CDI)

Investigating Primary Psychometric Properties of
Children's Depression Inventory (CDI)

Gh. R. Dehshiri, M. A. ✉

غلامرضا دهشیری ✉

دانشجوی دکترای روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

M. Najafi, M. A.

محمود نجفی

دانشجوی دکترای روان‌شناسی و مدرس دانشگاه سمنان

M. Shikhi, M. A.

منصوره شیخی

دانشجوی دکترای روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی

M. Habibi Askarabad, M. A.

مجتبی حبیبی عسگرآباد

دانشجوی دکترای روان‌شناسی سلامت دانشگاه تهران، بورسیه دکترای تخصصی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

Abstract

The purpose of the present study is to investigate primary psychometric properties of the Persian version of children's depression inventory. 407 students, 234 boys and 173 girls, aged between 12 and 14 served as the subjects of this study. They were selected through multi-stage random cluster sampling.

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه افسردگی کودکان است. نمونه پژوهش شامل ۴۰۷ دانش‌آموز ۱۲ الی ۱۴ سال (۲۳۴ پسر و ۱۷۳ دختر) است که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند.

✉Corresponding author: Dept. of Psychology,
Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran
Tel: +98912-4224362
Email: dehshiri_ghr@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: تهران، دهکده المپیک، دانشگاه علامه
طباطبایی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی
تلفن: ۰۹۱۲۴۲۲۴۳۶۲
dehshiri_ghr@yahoo.com پست الکترونیکی:

The sampling group completed Children Depression Inventory, children Depression Scale and Beck Depression Inventory. Results show the total CDI Test-retest reliability and internal consistency to be 0.82 and 0.83 respectively. Also, the correlation coefficients between CDI and Children Depression Scale and Beck Depression Inventory were respectively 0.79 and 0.87 ($p < 0.01$), which indicate a satisfactory convergent validity for CDI. Confirmatory factor analysis results show five factor model of CDI fit in the Iranian sample. MANOVA results indicate that on average the total score of depression for girls was significantly higher than the one for boys. Furthermore, the total average depression for subjects aged 14 was significantly higher than the one for 12 year olds.

KeyWord: Children Depression Inventory, Reliability, and Validity

پرسشنامه افسردگی کودکان، مقیاس افسردگی کودکان و پرسشنامه افسردگی بک در بین آزمودنی‌های پژوهش اجرا شد. نتایج نشان داد که پایایی بازآزمایی و همسانی درونی کل پرسشنامه افسردگی کودکان به ترتیب برابر با ۰/۸۲ و ۰/۸۳ است.

همچنین همبستگی بین پرسشنامه افسردگی کودکان، مقیاس افسردگی کودکان و پرسشنامه افسردگی بک به ترتیب برابر با ۰/۷۹ و ۰/۸۷ محاسبه شد که بیانگر روایی همگرای پرسشنامه افسردگی کودکان است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مدل پنج عاملی پرسشنامه افسردگی کودکان در جامعه ایرانی برآزش دارد. نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داد که میانگین نمرات کل افسردگی دختران به‌طور معناداری بیشتر از پسران است. همچنین میانگین نمرات کل افسردگی آزمودنی‌های ۱۴ سال به‌طور معناداری بیشتر از آزمودنی‌های ۱۲ سال است.

کلیدواژه‌ها: پرسشنامه افسردگی کودکان، پایایی، روایی

شیوع، علل و پیشگیری حوادث کودکان در ایران: بررسی مطالعات انجام شده

Incidence, Causes and Prevention of Child Accidents in Iran: an Analysis of Existing Studies

Z. Tabibi, Ph.D. ✉

دکتر زهرا طبیبی ✉

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی

Abstract

This study is an analysis of the child safety research literature in Iran. Accidents are the most important causes of mortality and morbidity among children in Iran. The study intends to find answers to questions such as "what is the rate of various types of children's accidents in Iran?", "what are the causes of these accidents?" and "what sorts of education have been implemented in the country?" The study shows that while children under 5 are more in danger of burning, poisoning and falling, those over 5 are more vulnerable to street accidents.

چکیده:

مقاله حاضر تحلیلی بر ادبیات پژوهشی ایمنی کودکان در ایران است. حوادث یکی از مهم‌ترین علل مرگ و معلولیت‌های کودکان ایرانی است. به منظور بهبود شرایط ایمنی کودکان بررسی علمی موضوعاتی چون میزان وقوع حوادث کودکان در ایران، علت وقوع حوادث و آموزش‌های ارائه شده جهت پیشگیری از حوادث کودکان ایرانی ضروری است. بررسی مطالعات و پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کودکان زیر ۵ سال بیشتر در معرض خطر حوادثی چون سوختگی‌ها، مسمومیت و سقوطند، در حالی که ایمنی کودکان بزرگتر از ۵ سال بیشتر با تصادفات خیابانی به خطر می‌افتد.

✉Corresponding author: Dept. of Psychology, Ferdowsi University, Mashad, Iran
Tel: +98511-8783008
Email: ztabibi@hotmail.com

✉نویسنده مسئول: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی
تلفن: ۰۵۱۱-۸۷۸۳۰۰۸
پست الکترونیکی: ztabibi@hotmail.com

There are very few studies on the causes of children's accidents, which suggest that dangerous home environment and parents' level of education play a role in children's accidents. There are some educational safety programs for children at school and on the T.V. However, there is no systematic approach to child safety at the public level. There are some books on child safety for parents, but they are not sufficient at all. Generally speaking, the safety of children has not been dealt with as an important issue whether in academic settings or among policy-makers.

KeyWords: Causes of Child Accidents, Incidence of Child Accidents, Prevention of Child Accidents.

مطالعات معدودی به بررسی عوامل حوادث کودکان پرداخته‌اند و بدین ترتیب نتیجه‌گیری‌های پژوهش فعلی باید با احتیاط صورت گیرد. بررسی‌ها بیانگر آنند که شرایط پرخطر محیطی عامل مهمی برای رخ دادن بسیاری از حوادث کودکان است. سطح تحصیلات والدین نیز عاملی مرتبط در بروز حوادث کودکان می‌باشد. آموزش‌های ایمنی مربوط به کودکان، از طریق مدرسه، والدین، کتاب‌ها و برنامه‌های تلویزیونی ارائه می‌شوند. والدین مهم‌ترین منبع آموزش ایمنی کودکانند، در حالی که آن‌ها رسانه‌های گروهی را بهترین منبع آموزش ایمنی کودکان برای خود مطرح می‌کنند. همچنین، آموزش‌های مربوط به ایمنی کودکان به والدین در کتاب‌ها گنجانده شده است. به‌طور کلی برنامه آموزشی جامع و مشخصی برای بهبود سطح ایمنی کودکان در کشور وجود ندارد. اما باید اشاره کرد که موضوع ایمنی کودکان هم در مجامع علمی و هم در مجامع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مورد غفلت واقع شده است.

کلیدواژه‌ها: علل حوادث کودکان، شیوع حوادث کودکان، آموزش‌های پیشگیری از حوادث کودکان

سلسله مراتب ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی

Hierarchy of Marriage Values Among the Iranian Youth

M. T. Delkhamoush, M. A. ✉

محمدتقی دلخמוש ✉

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

Abstract

This study aims to assess the hierarchy of marital values among the Iranian youth. A sample of 2680 Iranian university and high school students of both genders completed the Marital Value Scale developed by the researcher, reflecting dimensions of embeddedness versus autonomy, and hierarchy versus egalitarianism. Findings show that in the hierarchy of Iranian youth marital values, autonomy and egalitarianism dimensions rank higher in comparison with the two dimensions of embeddedness and hierarchy.

چکیده:

در این پژوهش سلسله مراتب ارزش‌های ازدواج در بین ۲۶۸۰ دانشجو و دانش‌آموز زن و مرد ایرانی با استفاده از مقیاس مؤلف ساخته ارزش‌های ازدواج (با ابعاد: محاطشدگی در برابر خودپیروی، و سلسله مراتبی در برابر برابرنگری) ارزشیابی شدند. یافته‌های پژوهش نشان دادند که در مقیاس سلسله مراتب ارزش‌های ازدواج جوانان، ابعاد خودپیروی و برابرنگری در رتبه‌های بالاتر و ابعاد محاطشدگی و سلسله مراتبی در جایگاه پایین‌تری قرار دارند. انتظار می‌رفت که تهرانی‌ها نسبت به جوانان سایر استان‌ها و دانشجویان در مقایسه با دانش‌آموزان، در ارزش‌های ازدواج خودپیروتر و برابرنگرتر باشند.

✉Corresponding author: Dept. of Industrial Psychology, Islamic Azad University, South Branch, Tehran, Iran
Tel: +98321-88830666
Email: delkhamoush@hotmail.com

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، گروه روان‌شناسی صنعتی
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۰۶۶۶
پست الکترونیک: delkhamoush@hotmail.com

Although residents in Tehran, compared with those residing in other provinces, expectedly rank higher in autonomy and egalitarianism, their emphasis on inequality of power distribution and marital roles result in their concern for the hierarchy dimension of marital values.

KeyWords: Hierarchy, Marriage Values, Youth, Schwartz.

هرچند تهرانی‌ها و دانشجویان خودپیروتر بودند اما، با تأکید بیشتر بر توزیع نابرابر قدرت و نقش‌ها در زندگی زناشویی، بعد سلسله مراتبی ارزش‌های ازدواج را با اهمیت‌تر می‌شمردند.

کلیدواژه‌ها: سلسله مراتب، ارزش‌های ازدواج، جوانان، شوارتز

بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی
دانشجویان در آستانه ازدواج در شهر شیراز

The Effect of Premarital Training on Marital Expectations
and Attitudes of University Students in Shiraz

B.Omidvar, M. A. ✉

M. Fatehi Zadeh, Ph.D.

S. A. Ahmadi, Ph.D.

✉ بنفشه امیدوار

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

دکتر مریم السادات فاتحی زاده

استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر سیداحمد احمدی

دانشیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

چکیده:

Abstract

The purpose of this study is to examine the effect of premarital education on marital expectations of college students. The research procedure is quasi-experimental with a pre-test and post-test design and control group. The statistical population consists of students who studied in Shiraz University of Medical Sciences.

هدف این پژوهش بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی دانشجویان در آستانه ازدواج و ابعاد آن است. روش این تحقیق نیمه تجربی بوده و از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه استفاده شده است. جامعه آماری کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز بودند که قصد ازدواج داشته و در مرحله قبل از دوران عقد قرار داشتند.

✉Corresponding author: Dept. of counseling,
Isfahan university, Isfahan, Iran
Tel: +980728-3338684-9
Fax: +980728-3338686
Email: banafshehgs2002@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: شیراز، کیلومتر ۳ جاده مرودشت، تخت
جمشید، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
تلفن: ۰۷۲۸ - ۳۳۳۸۶۸۴ - ۹ دورنما: ۳۳۳۸۶۸۹ - ۰۷۲۸
پست الکترونیکی: banafshehgs2002@yahoo.com

A sample of 207 students volunteered in this research and completed the marital expectations questionnaire. Then 92 students who gained higher scores in this questionnaire were selected and randomly allocated in experimental and control groups. The results were analyzed with SPSS software. They show that premarital education improves marital expectations ($P < 0/0001$). Also premarital education improves marital expectation components including expectation of spouse as a friend and supporter ($P < 0/0001$), expectation of marital life ($P < 0/0001$), expectation of ideal relationship ($P < 0/0001$). Educational effects were not different among boys and girls.

KeyWords: Premarital Education, Marital Expectations.

برای انتخاب نمونه ۲۰۷ نفر از دانشجویان داوطلب شرکت در دوره آموزشی به پرسشنامه انتظارات زناشویی پاسخ دادند. ۹۲ نفر که در این آزمون‌ها نمرات بالاتری داشتند انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (۴۶ نفر در گروه آزمایش و ۴۶ نفر در گروه کنترل) قرار گرفتند. در پژوهش حاضر از روش آماری تحلیل کواریانس چند راهه استفاده شد. نتایج نشان دادند که آموزش پیش از ازدواج، انتظارات زناشویی ($P < 0/0001$) دانشجویان در آستانه ازدواج را به طور معناداری بهبود بخشیده است. همچنین آموزش پیش از ازدواج در دانشجویان در آستانه ازدواج، ابعاد انتظارات شامل: انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی ($P < 0/0001$)، انتظارات از زندگی زناشویی ($P < 0/0001$) و انتظارات از یک رابطه ایده‌آل ($P < 0/0001$) را به طور معناداری بهبود بخشیده است. همچنین نتایج نشان دادند که تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی و ابعاد آن در دختران و پسران متفاوت نمی‌باشد.

کلیدواژه‌ها: آموزش پیش از ازدواج، انتظارات زناشویی

بررسی تأثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده

A Study on Women Employment and its Effect on Power Pyramid in Families

M. Bagheri , Ph.D. ✉

دکتر معصومه باقری ✉

استادیار دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز

H. Moltafet

حسین ملتفت

عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز

H. Sharifian

هدایت شریفیان

کارشناس ارشد سازمان کار و امور اجتماعی دره شهر، ایلام

Abstract

In the past two decades, the concept of women's status has been expanded from education and socio-economic status to include women's access to control over resources and decision making within the household. It is true that if both spouses participate in a decision, a better outcome may result. The purpose of this study is to investigate the effectiveness of employment of women in the decision making power within the household.

چکیده:

از دو دهه گذشته موقعیت زنان از نظر تحصیل و پایگاه اجتماعی - اقتصادی فراتر رفته و به دستیابی آنان در کنترل منابع و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده انجامیده است. این واقعیتی انکارناپذیر است که اگر هر دو همسر در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند، نتایج بهتری حاصل خواهد شد تا این‌که هر یک از همسران به تنهایی تصمیم‌گیرنده باشند. این پژوهش به منظور بررسی تأثیر اشتغال زنان بر قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در خانواده انجام شده است.

✉Corresponding author: Dept. of Sociology,
Faculty of Economics and Social Sciences,
Shahid Chamran University, Ahwaz, Iran
Tel: +98916-6020171
Email: maba_65@hotmail.com

✉ نویسنده مسئول: اهواز، دانشگاه شهید چمران، دانشکده اقتصاد و
علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی
تلفن: ۰۹۱۶۶۰۲۰۱۷۱
پست الکترونیک: maba_65@hotmail.com

The statistical sample size is 300 married women (100 employed and 200 housewives). They were selected through random sampling method in the city of Dareh Shahr in the province of Ilam. The research is of a survey type, using descriptive and analytical methods. Data are collected via questionnaires, and a Likert type scale is applied. The statistical analysis of data is based on T-test and analysis of variance.

Results indicate that the decision making power within household is vividly notable among employed women. Also, they show a significant relationship between women employment and an increase in the power of economically related decisions, the way of training children, determining the number of inborn children, the way of spending leisure time activity, and an increase in the socio-political participation. As the results indicate, there is no significant relationship between women employment and visiting family relatives. In addition, there is a significant, relationship between the dependent variables and independent variables.

KeyWords: Power, Employment, Socio-economic Status, Family, Decision Making.

این تحقیق از نوع پیمایشی (توصیف و تحلیل) می‌باشد. جامعه پژوهش زنان متأهل شهر دره‌شهر از استان ایلام و تعداد نمونه ۳۰۰ نفر (۲۰۰ زن خانه‌دار و ۱۰۰ زن شاغل) هستند، که به‌صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. از پرسشنامه و طیف لیکرت استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌ها روش تحلیل واریانس و آزمون T مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاصله به روشنی حاکی از معنادار بودن رابطه میان اشتغال زنان با قدرت تصمیم‌گیری در خانواده است. همچنین نتایج نشان می‌دهند که اشتغال زنان سبب افزایش قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در امور اقتصادی، نحوه تربیت فرزندان، تعیین موالید، تعیین نحوه گذران اوقات فراغت و افزایش مشارکت سیاسی - اجتماعی آنان می‌شود. اما میان اشتغال زنان و دید و بازدیدهای خانوادگی رابطه معناداری یافت نشد. به‌علاوه نتایج این تحقیق معناداری رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته را نشان داد.

کلیدواژه‌ها: قدرت، اشتغال، موقعیت اقتصادی - اجتماعی، خانواده، تصمیم‌گیری

طلاق قضایی و ماهیت آن

Judicial Divorce and Its Nature

M. Roshan , Ph.D. ✉

دکتر محمد روشن ✉

استادیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

M. Mozaffari

مصطفی مظفری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران

Abstract

According to the Iranian rules, divorce is within the jurisdiction of the husband, and only in special cases is the wife entitled to request divorce from the court, which is called 'judicial divorce'.

The issue that matters in the discussion of judicial divorce is its nature; which may bring different effects.

There is a disagreement about the nature of judicial divorce; some believe that it is a revocable divorce while some others consider it as irrevocable. The arguments of both sides indicate significant and fundamental flaws.

چکیده:

طلاق، به موجب قوانین و مقررات ایران، از اختیارات مرد است و تنها در موارد خاصی زن می‌تواند از دادگاه درخواست طلاق نماید، که به آن طلاق قضایی گفته می‌شود.

آنچه که در بحث طلاق قضایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، ماهیت آن است چرا که بر حسب این‌که چه ماهیتی دارد، آثار متفاوتی بر آن مترتب می‌گردد. ماهیت طلاق قضایی مورد اختلاف است. گروهی بر این عقیده‌اند که رجعی است و گروه دیگر آن را باین می‌دانند، که هر یک از این نظرات ایرادات اساسی و مهمی دارند.

✉Corresponding author: Dept. of Psychology
Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Tel: +9821-29902364

Fax: +9821-29902368

Email: m-roshan@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده
خانواده

تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۴ دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸

پست الکترونیک: m-roshan@sbu.ac.ir

The third viewpoint presented proportionate to the characteristics of judicial divorce in this paper is that this kind of divorce is to be considered as 'irrevocable in kind'.

This viewpoint not only removes the defects of the previous opinions, but also offers a fundamental step towards the protection of the family structure, the preservation of women rights and the prevention of probable abuse by men.

KeyWords: Divorce, Revocable Divorce, Irrevocable Divorce, Judicial Divorce, Male Jurisdiction

دیدگاه سومی که در این نوشتار متناسب با خصوصیات طلاق قضایی مطرح شده، این است که چنین طلاقی را «در حکم باین» بدانیم. این دیدگاه نه تنها عیوب نظرات قبلی را ندارد بلکه گامی اساسی در جهت حفظ نهاد خانواده و احقاق حقوق زنان بوده و راه سوء استفاده‌های احتمالی مردان را سد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: طلاق، طلاق رجعی، طلاق باین، طلاق قضایی، اختیار مرد.